

شهر والا کو سر ابطلا و سایر جلال امور بر کشید و بجز این شب و افضال از و مندان جهان را بی نیار گردانید نخستین آن
در بانو آل عالی فطرت برای گردآوری رضامندی ازیدی حشر حشر من دامن امن از سر سرخ و سفید کمر فرود



۱۵۱

و پس از آن کار پروازان خدمت با شارت نمایان طبقات انام را پاس مراتب داشته زین بخش کرد و دوم درین اثنا
از فطاکا هندوی و فوری شپوسی عیجان بی خلیفه که آثار تحریرت شناسایی از نامه حال او دید بود

۱۶۰

مکنه تره کی می بیند

خلعت فاخره داده اجازت فرمودند که همواره حاجات خلائق و آنچه در سپکا تامل او بکن کر ایند توقف عرض فرمود
 رساند با آنکه دوام اکاسی که میان خود پویشتا به ایست که آنچه بالغ نظران دورین جدا و یک کار را بوزم اجتناب بجای
 آورند کیتی خود پویشکی امور سلطنت را بدان طرز ثنایت به انجام میرسانند لیکن رسیار غیاش از وزی دور پشوی و مزاج
 شناسی روز کار و به بود کالی بر دوام چنین شیا حشر لم باشد عا نانشو مطلع سلطان خرد چنانست که فرمان انا
 معدلت کزین سبزرگان کثرت ارای بر دیده وری و رسیای خود کتفا فرموده یکی از موثمنان نیک ذات حیرتمنی
 رخصت عرض کردست تا در بین کام هجوم مشاغل و سپهر هستی قوامی غصبی که زمان پلغتر و ان عرصه و انانیت شایسته و
 بوقوف بلاغ رساند خدایا تا سایه و آفتابست و سر سزیمی جن ارفیض بحاب این سالار بارگاه تجرد و تعلق بر این
 آفاق نور کتسوار **نظم** خدایا ما را دست آسمان را کمنین با پشته خالی جبارا
 فلک چون خاتمش زیر کیمین دار کلبک المثل آستین دار از سواخ فرو شدن مجاهد پیکت
 نپیره خواجه کلان پیک در حد و دومی از مضافات صوبه اجمیر تانند داری نامزد بود و کنور مانسک و پشوی از
 دلاوران آن اچی بکنجانی که شاقه بودند در ببادی صحرا و آبی را چوتان ان سر مرچ چندی از تنهاریان
 نو با در آمده و پست تاراج کشودند ازین دلیری گامی پذیرفته باریج زودی کجسیده بی سانشکار بر آمد و کار نامه رستمی را
 زیر دست ساخته زه کرای سفر و اسپشید و سر مایه کنجانی جاوید انداخت مقدم همراه آبی بفرات قلعه اجمیر صعود قبل
 نمود و غنودگان آن سزیمین را دست مایه رحمت شدند و در حواشی مرقد سید حسین خنک سوار و توقف امرش فرمودند
 آن شب تا طلوع پر تو خورشید حقیقت شمع الکی افروخته رهنمای سعادت پذیران محفل قدسی ذنب با خلائق کونی و آلی سامعه
 افروز بخت و ران پیدار دل کشت و خاطر عارت دوست شناسی چون اختلال مبنای آن حصار آسمانی پایه در دست
 کار پردازان رکا سلطنت را اشارت شده که سمت در تعمیر است آن عمارت فرسوده را تا زکرو اندر کتر زمان بخت
 و به صورت انجام گرفت پست و دوم همراه آلی از ان خط فیض اساس غنائی بجا بانب میره انعطاف یافت
 بنظر نشاط شکار چهره غنیمت می فروخت لیکن معدلت آریسی و اشطام آن ناحیت و اندوختن مریضیات ایزدی نمان
 سمت والا بود و چون آن سزیمین مخیم قبل کشت ضمیر صواب اندیش در تعیسین قافله سالار راه کرایان دیه حجاز توجه فر
 دوم آبان دالی میرا تو تراب باین کزیده خدمت سرفراز شد و از سادات سلامی شیراز است جدش سزیمین
 الیدین سیت الله که بسید شاه میر شهور بود و از علوم کتبی بهر فراوان داشت در زمان سلطان قطب الیدین نپیره